

راهنمای آموزش خانواده

آسیه شریعتمدار، دانشجوی دکترای مشاوره

ساختاری پیشنهادی برای آموزش خانواده‌ها

یکی از نقش‌های مهم مشاوره مدرسه ایجاد ارتباط میان خانواده و مدرسه است. جلسات آموزش خانواده، در ایجاد این پل ارتباطی می‌تواند به نحو موفقیت‌آمیزی عمل کند. اگر مشاور برای آموزش خانواده‌ها هدف‌ها و روش‌های سازمان‌یافته‌ای را در نظر داشته باشد و هر سال جلسه‌های آموزش خانواده را زنجیره‌وار (و نه بدون ارتباط به هم) در جهت رسیدن به هدف‌ها برنامه‌ریزی کند، احتمال توجه و جلب همکاری خانواده‌ها بیشتر می‌شود. در این بخش برآنیم برای آموزش خانواده‌ها ساختاری پیشنهادی را ارائه دهیم.



خانواده به‌طور سنتی، به‌عنوان واحد اصلی تأمین‌کننده‌ی امکان تربیت اجتماعی فرزندان خردسال و نوجوان و حامی سنن فرهنگی تلقی شده است. (اسکانزونی، ۱۹۸۸ به نقل از گلادینگ، ۱۳۸۲) رشد و تکامل فرد به‌عنوان عضوی از خانواده و همچنین خانواده به‌عنوان یک کل، یکی از مهمترین مسائلی است که در مطالعه‌ی خانواده لازم است به آن پرداخته شود. خانواده به خاطر پیچیدگی روابط اجتماعی زندگی امروزی، به‌خصوص در مقاطع حساس دوران رشد، نیازمند به کمک‌های حرفه‌ای از سوی نهادهای درگیر با تعلیم و تربیت است. رشد و تکامل فرد خانواده از سه دیدگاه فردی، اجتماعی و تاریخی قابل بررسی است.

از دیدگاه اول، اعضای خانواده با بحران‌های رشد و تکامل قابل پیش‌بینی مواجه می‌شوند. خانواده‌ها در برخورد با این بحران‌ها ممکن است احساس تنهایی کنند. تصور غالب خانواده‌ها بر این است که تنها آن‌ها با این مشکلات درگیرند. ارتباط خانه و مدرسه و دعوت از خانواده‌ها در فضایی صمیمانه که در آن امکان انتقال تجارب خانوادگی وجود دارد، این نتیجه را به دنبال دارد که خانواده‌ها، نسبت به این بعد احساس واقع‌بینانه‌تری پیدا می‌کنند. یعنی احساسی از فرآگیر بودن این مسائل و بحران‌ها، به‌خصوص اگر جلسات آموزش خانواده حداقل سالی دو یا سه بار به‌صورت کلاسی برگزار شود تا امکان تعامل رو در روی خانواده‌ها با یکدیگر وجود داشته باشد، این احساس بیشتر شکل می‌گیرد. این جلسات کلاسی امکان آشنایی خانواده‌های دانش‌آموزان یک کلاسی را باهم فراهم می‌نماید و روحیه‌ای از همبستگی را در بین آنان ایجاد می‌کند.

اما اگر امکان برگزاری جلسات کلاسی وجود نداشته باشد، می‌توانیم قبل از برگزاری هر جلسه طی فراخوانی عمومی از خانواده‌ها درخواست کنیم تا مسائل و سؤالات خود را در ارتباط با فرزندان خود بنویسند و بگویند که دوست دارند جلسات آموزش خانواده، در چه زمینه‌هایی باشد. همچنین می‌توان از دانش‌آموزان خواست که تا مسائلی را بنویسند که دوست دارند در جلسات آموزشی با خانواده‌ها در میان گذاشته شود، سپس می‌توان جلسات آموزشی خانواده را براساس حاصل این دو نظرسنجی برگزار نمود.

دیدگاه دوم که در ارتباط با خانواده‌ها می‌توان به آن پرداخت، دیدگاه اجتماعی است. خانواده، از دیدگاه اجتماعی، امروزه درگیر تغییراتی است که در مورد برقراری روابط میان فردی و صمیمانه‌ی فرزندان‌شان صورت می‌گیرد. امروزه، اغلب جوانان دیگر از الگوهای سنتی، تبعیت نمی‌کنند. در حالی که خانواده هنوز نتوانسته است خود را با این تغییر الگوها سازگار کند. بعضی از خانواده‌ها در این بعد بر کنترل بیش از حد تمرکز می‌کنند و برخی به دلیل آن که آهنگ پویایی‌شان در برابر این تغییرات آن قدر کند بوده است که به دلیل فاصله و شکاف عمیقی که با نسل جدید پیدا کرده‌اند، کند بودن تفکر رشد و پویایی فاصله‌ی عمیقی با نسل جدید پیدا کرده‌اند و در حقیقت قافیه را در برابر آن‌ها باختند و فکر می‌کنند، هیچ کاری از دست آن‌ها برنمی‌آید و جوان را به حال خود رها کرده‌اند.

خانواده به‌طور سنتی، نقشی حمایتی ایفا می‌کرد و این نقش در نسل‌های گذشته به خوبی کارساز بود. امروزه بیشتر جوانان از آشفتگی نقش‌ها رنج می‌برند، از طرفی به خاطر تأثیرات رسانه‌های ارتباط جمعی به شکلی روزافزونی خواهان استقلال بیشتر هستند و نقش سنتی - حمایتی خانواده را نمی‌پسندند و از طرف دیگر به دلیل پیچیدگی‌های روزافزون اجتماعی، در مقاطع حساس، نیازمند به حمایت هستند. ایجاد تعادلی میان حمایت و استقلال در خانواده، مستلزم راهنمایی‌های حرفه‌ای است.

جلسات آموزش خانواده در این بعد، عملکردی فعال و قوی نداشته است و این مسئله‌ای است که باید در آموزش خانواده مورد توجه قرار گیرد. فرزندان ما در حالی می‌خواهند به دانشگاه راه پیدا کنند که انتظار ما از آن‌ها فقط درس خواندن و آمادگی برای آزمون ورودی است. به همین خاطر



هیچ‌گاه زمینه‌ی رشد اجتماعی آن‌ها را فراهم نمی‌کنیم.

دیدگاه سوم، دیدگاه تاریخی است. عصر و دورانی که بشر در آن زندگی می‌کند، متشکل از نیروهای مؤثر و شکل‌دهنده‌ی بشریت در یک مقطع زمانی خاص است. در این زمینه می‌توان به رکود اقتصادی، جنگ‌ها، تحولات سیاسی و ... اشاره کرد. به عنوان مثال در زمان جنگ جامعه و خانواده همبستگی بیشتری باهم دارند و گرایش به فردیت و استقلال، کاهش پیدا می‌کند. در حالی که در دوران پس از جنگ، انتظارات مہار شده، مجال بروز پیدا می‌کنند. در دوران رکود اقتصادی، ناامیدی حاکم بر نوجوانان نسبت به آینده‌ی خود، فرهنگ خاصی را در میان آنان ایجاد می‌نماید. این‌جا موقعیتی است که احتمال دارد بیشتر نیازمند حمایت غیرمستقیم خانواده باشند. خانواده‌ها به‌عنوان واحدی که بیش از همه با این مسائل دست و پنجه نرم می‌کنند، ممکن است از این تأثیرات آگاه نباشند و فقط خود را گرفتار مشکلاتی عدیده می‌بینند. آموزش مدرسه در این زمینه می‌تواند به خانواده‌ها، آگاهی، بینش و آرامشی خاص ببخشد تا پویایی‌های پنهان فرزند خود را بهتر درک کنند. مدرسه در این سه بعد نقش حساسی ایفا می‌کند. چرا که خانواده از زمانی که شکل می‌گیرد تا زمانی که اولین فرزند آن وارد فضای مدرسه می‌شود، آموزش جدی ندیده است. هنوز هم مواردی از مشکلات فرزندان در هنگام ورود به مدرسه از قبیل کم‌شنوایی، مشکلات بینایی و مسائل مربوط به ناتوانی‌های ذهنی دیده می‌شود.

پس از خروج دانش‌آموزان از مدرسه نیز خانواده با نهاد یا سازمانی که او را در مواقع بحرانی کمک کند، ارتباط منظمی ندارد. این مسئله موجب حساسیت بیش از حد دوران مدرسه می‌شود و مسئولیتی را بر دوش مشاوران مدرسه می‌گذارد. اگر بخواهیم افرادی سالم و سازگار به جامعه تحویل دهیم، دوران مدرسه تنها زمانی است که امکان دخالت سازمان‌یافته را فراهم می‌کند.

در بعد فردی، علاوه بر دوره‌های قابل پیش‌بینی رشد که همگانی هستند، توجه به تفاوت‌های فردی بسیار مهم است. هر فرد، ویژگی‌ها و توانایی‌های خاص خود را دارد. خانواده، در کشف بحران‌های رشد، ممکن است فرزند خود را تنها از منظر همین بحران‌ها ببیند و نتواند به ویژگی‌ها، نقاط قوت و توانمندی‌های خاص او توجه کند. مسئولین و مربیان مدرسه نیز، معمولاً به مسائل عمومی و مشترک رشد و همچنین پیشرفت تحصیلی توجه نشان می‌دهند. مشاور در جلسات آموزش خانواده به خوبی می‌تواند توجه خانواده را به کشف ویژگی‌های خاص فرزند خود آشنا کند. امروزه با توجه به فشارهای اجتماعی برای هدایت توانایی کشف دانش آموز جهت پیشرفت تحصیلی از ایجاد بستر مناسب برای پرورش و رشد ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان غفلت شده است.

در راستای شناخت ویژگی‌ها توجه به ناتوانی‌ها، بیماری‌ها و ضعف‌های دانش‌آموزان و شیوه‌های مناسب برخورد با آن‌ها آموزش داده شود. در همین راستا چنانچه خانواده‌ای نیازمند به کمک حرفه‌ای فراتر از توان مشاور مدرسه است، شناسایی شده و به مراجع ذی‌صلاح ارجاع داده می‌شوند.

منبع

گلدنیک، ساموئل (بی‌تا). خانواده درمانی، تاریخچه، نظریه و کاربرد، (ترجمه بهاری، فرشاد و بهرامی، بدری‌السادات و سیف، سوسن و تبریزی، مصطفی، ۱۳۸۲) تهران: انتشارات تزکیه.



۳۶

دوره‌ی ۲
شماره‌ی ۱
پاییز ۱۳۸۷

